

اجاره دفتر چه بیمه برای کلاهبرداری میلیاردی



دارو هستیم و به خاطر تجربه کار در این بازار خوب می دانیم چه داروهایی در بازار آزاد فروش بالایی دارد ؛ داخل دفترچه های اجاره ای، نسخه داروی بیماری های خاص، صعب العلاج و کمیاب را می نوشتم و مهر واسم جعلی پزشکان متخصص و فوق تخصص را پای نسخه ها می زدیم، بعد نسخه ها را به داروخانه ها برده و داروهای مورد نظر را با قیمت دولتی و پایین خریداری می کردم و داروها را در بازار آزاد مثل ناصر خسرو با مبالغ بالا به فروش می رساندیم.

او ادامه داد: اما این تنها کاری نبود که انجام می دادیم، بعد هم برای دریافت پولی که برای خرید داروها به داروخانه ها داده بودیم به دفاتر بیمه می رفتم تا هزینه نسخه ها را دریافت کنیم؛ چند بار در این کار موفق شدیم اما خیلی زود لو رفتیم و دستانم روش.

در بررسی های صورت گرفته مشخص شد که این افراد بالغ بر ۲ میلیارد تومان به این شیوه کلاهبرداری و جعل کرده اند و بررسی ها برای شناسایی جرایم احتمالی اعضای این باند ادامه دارد.

با دادسرای ناحیه ۱۲ تهران، تحقیقات پلیسی آغاز شد؛ در نخستین گام، مأموران با هماهنگی نماینده و مأمور حراست شرکت بیمه، افرادی را که اقدام به دریافت هزینه نسخه بیماری های خاص می کردند شناسایی کرده و زمانی که آنها برای دریافت هزینه به اداره بیمه رفتند دستگیر شدند. در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد اعضای این باند سه مرد جوان هستند که از دلالتان دارو در ناصر خسرو بوده و نه تنها با نسخه های جعلی اقدام به کلاهبرداری می کنند بلکه داروهایی را که از این طریق به دست آورده بودند در بازار آزاد به فروش می رساندند.

■ **کرایه میلیونی دفتر چه بیمه**

بهنام، یکی از اعضای این باند در تحقیقات به مأموران گفت: در مناطق حاشیه ای تهران و محله های فقیر نشین پرسه می زدیم و بعد افرادی را که دفترچه بیمه داشتند پیدا کرده و در قبال اجاره دفترچه های آنها برای دو تا سه ماه بین سه تا چهار میلیون تومان کرایه می دادیم.

■ **فروش در بازار**

متهم گفت: من و دو همدمستم از دلالتان بازار

■ **گروه حوادث/** سه دلال دارو که با سوءاستفاده از دفترچه های بیمه و جعل مهر پزشکان داروهای خاص را از داروخانه گرفته و با قیمت های گزاف در بازار آزاد می فروختند با شکایت شرکت بیمه به دام افتادند.

به گزارش خبرنگار حوادث ایران، چندی قبل نماینده یک شرکت بیمه با مراجعه به کلانتری ۱۰۹ بهارستان سرخ دستگیری یک باند کلاهبردار را به پلیس داد. وی در این شکایت گفت: مدتی است که ارائه نسخه داروهای بیماری های خاص و صعب العلاج مانند بیماران هموفیلی، سرطانی و... برای دریافت هزینه از بیمه زیاد شده است. همین مساله شک ما را برانگیخت و تصمیم به استعلام از سازمان نظام پزشکی گرفتیم؛ در استعلام صورت گرفته مشخص شد اسامی پزشک ها و مهرهایی که پای نسخه های ارائه شده، ثبت شده جعلی است و پزشک هایی با این اسامی وجود خارجی ندارند و درواقع مهر پزشکان و شماره نظام پزشکی آنها جعلی است.

■ **دستگیری دلالان دارو**

به دنبال این شکایت و هماهنگی های قضایی

انکار قتل دوست در کمپ تفریحی

■ **گروه حوادث/** پسر دانشجویی که به اتهام قتل دوستش در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد در جلسه دادگاه با اصرار بر بی گناهی خود مدعی شد مرد نقابداری دوستش را کشته است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از آبان سال ۹۷ با گزارش درگیری در یک کمپ تفریحی در منطقه فیروزکوه به مأموران آغاز شد. پس از آن مأموران به محل درگیری رفته و مشخص شد که پسر جوانی به قتل رسیده است. در ادامه مأموران به پسر ۲۷ ساله ای به نام فریبرز ظنین شدند که کیسه ای سیاه رنگ و یک سنگ خون آلود به دست داشت و در حال فاصله گرفتن از کمپ تفریحی بود، بنابراین وی به عنوان متهم بازداشت و جسد مقتول هم برای بررسی به پزشکی قانونی منتقل شد. متخصصان این مرکز پس از معاینه جسد اظهار داشتند که مقتول به خاطر اصابت جسم سخت به سرش فوت کرده است. پس از آن فریبرز مورد بازجویی قرار گرفت و به قتل دوستش سیاوش اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: من دانشجوی هشتم و سال هاست که با سیاوش دوست بودیم. روز حادثه برای تفریح و گردش به فیروزکوه رفتیم و در آنجا چادر زدیم. قرار بود چند روزی در آنجا بمانیم اما سر یک موضوع با هم به اختلاف خوردیم و سیاوش با چاقو به من حمله کرد. من هم برای دفاع از خودم با سنگ چند ضربه به او زدم که سیاوش فوت کرد، پس از آن وسایلم را برداشتم تا از آنجا فرار کنم اما پلیس از راه رسید و دستگیرم کرد.

با اعترافات صریح متهم، کیفرخواست علیه او صادر و پرونده اش برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.

در ابتدای جلسه دادگاه مادر مقتول درخواست قصاص کرد و گفت: فریبرز یکی از دوستان پسر من بود. نمی دانم که با چه انگیزه ای سیاوش را کشته است. او برای تبرئه کردن خودش تا امروز دروغ های زیادی گفته و به همین خاطر اصلاً حاضر به گذشت نیستم و خواهان قصاص او هستم.

در ادامه فریبرز به جایگاه رفت و ضمن رد اعترافات قبلی اش ادعای جدیدی را مطرح کرد و گفت: من تحت فشار روحی ناچار به پذیرش اتهام قتل شدم و گرنه من سیاوش را نکشتم. آن روز من و سیاوش در داخل چادر بودیم که یک مرد نقابدار به سراغمان آمد و با این بهانه که این منطقه متعلق به اوست و ما حق نداریم کمپ بزنیم با ما درگیر شد و تکم کم زدم، من از شدت ضربات او بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم دیدم دوستم کشته شده است. در آن لحظه مرد نقابدار وقتی دید من هنوز زنده ام خواست مرا هم بکشد که با دیدن چند نفر عابر که از آنجا رد می شدند منصرف شد و فرار کرد. من هم به خاطر حفظ جانم داشتم فرامی کردم که مأموران به من شک و بازداشت کردند.

متهم درباره کیسه سیاهی که داخل آن سنگی خون آلود و چند تار موی مقتول بوده، گفت: در آن کیسه فقط وسایل خردم و سیاوش بود، نمی دانم چرا پلیس این طور صورتجلسه کرده، شاید می خواهند قتل را به گردن من بیندازند.

با پایان اظهارات متهم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

شهادت یک مرزبان در مرزهای آبی قشم

■ **گروه حوادث/** برخورد عمدی شناور قاچاقچیان با شناور مرزبانان پایگاه دریابانی در مرزهای آبی شهرستان قشم، منجر به شهادت یکی از مرزبانان و مجروح شدن ۲ مرزبان دیگر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سید مرتضی اولادعلی معاون اجتماعی فرماندهی مرزبانی هرمزگان در این باره گفت: اکیپ گشت دریایی پایگاه دریابانی قشم حین گشت زدن در

مرزهای آبی شهرستان قشم برای مقابله با قاچاقچیان با تعداد زیادی شناور روبه رو شدند که حامل کالای ممنوعه و قاچاق بوده و به صورت گروهی درحال حرکت به سمت نوار مرزی بودند. مرزبانان بلافاصله به شناورها دستور توقف دادند اما یک فروند از شناورهای قاچاقچیان به عمد و با نیت صدمه زدن به شناور سازمانی به آنها حمله ور شد که در اثر این برخورد استواریکم حسن واعظی تختی به شهادت رسید و ۲ مرزبان هم به خاطر شدت جراحات وارده به بیمارستان منتقل شدند. وی در ادامه افزود: شناور مهاجم از محل متواری شد و تلاش مأموران برای دستگیری سرشنشان آن ادامه دارد.

تصادف مینی بوس کارگران معدن در تکاب

■ **گروه حوادث/** تصادف دو دستگاه مینی بوس حامل کارگران دو معدن طلای آق دره و زرشوران در شهرستان تکاب، یک کشته و ۱۸ زخمی بر جا گذاشت.

به گزارش خبرنگاری صدا و سیما مرکز آذربایجان غربی این حادثه حدود ساعت هفت و نیم صبح جمعه ۱۰ بهمن در حالی رخ داد که کارگران معدن آق دره که شیفیت شب بودند با مینی بوس از محل کار خود به خانه بر می گشتند و کارگران معدن زرشوران نیز سوار بر مینی بوس سرویس در حال رفتن به محل کار خود بودند که در ۳۵ کیلومتری شهرستان تکاب به تخت سلیمان با هم برخورد کردند؛ در این تصادف یک نفر جان باخت و ۱۸ نفر زخمی شدند که حال ۶ نفر از حادثه دیدگان وخیم گزارش شده است.

به گفته کارگران حاضر در صحنه تصادف، مصدومان به بیمارستان مهلباد و شهادی تکاب اعزام شده اند؛ کارگری که جان خود را از دست داده، راننده سرویس کارگران معدن طلای زرشوران و از مصدومان بیمارستان شهدای تکاب بود.

به گفته وی؛ تعداد مصدمان سرویس کارگران آق دره سه تا چهار نفر هستند اما تعداد کارگران سرویس معدن زرشوران به حدود ۱۰ تا ۱۱ می رسد.

علت این حادثه از سوی کارشناسان پلیس راهور در دست بررسی است.

رد پای دختر جوان در سرت میلیاردی از مرد داروساز



■ **گروه حوادث/** شکایت مرد داروساز که مدعی است یکی از کارکنان داروخانه اش عامل سرقت میلیاردی از محل کار اوست منجر به دستگیری یک دختر جوان شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مدتی قبل مرد جوانی با مراجعه به پلیس گفت: من صاحب چند داروخانه هستم. به خاطر شیوع بیماری کرونا، رفت و آمدم به داروخانه هایم را کمتر کرده و کارکنان داروخانه برای انجام کارهای مالی به شرکت من می آمدند تا اینکه امروز وقتی به شرکت رفتم متوجه سرقت میلیاردی از دفترم شدم.

پس از این شکایت تحقیقات از سوی مأموران پلیس آغاز شد. در بررسی های اولیه دوربین های مدار بسته شرکت، تصاویر سارقان به دست آمد. گرچه سارقان چهره هایشان را با ماسک و نقاب پوشانده بودند اما بررسی ها نشان می داد که عاملان این سرقت زن و مردی جوان هستند.

■ **خانه سه میلیاردی**

وقتی تصاویر به این مرد نشان داده شد، وی گفت: من به یکی از کارکنان شرکتیم ظنین هستم. مدتی قبل دو خواهر در یکی از داروخانه های من کار می کردند. یکی از آنها برای انجام امور مالی داروخانه زیاد به شرکت من می آمد. البته چند هفته قبل هر دو خواهر تسویه کردند و رفتند. در این تصاویر زنی وجود دارد که خیلی شبیه یکی از این خواهرها به نام نیوشاست.

با سرخنی که مرد مالباخته در اختیار تیم تحقیق قرار داد، به صورت نامحسوس دو خواهر زیر نظر قرار گرفتند. در تحقیقات پلیسی مشخص شد که نیوشا، به تازگی خانه ای سه میلیارد تومانی خریداری کرده است. همین موضوع ظن کارآگاهان را به وی بیشتر کرد.

بنابراین مأموران خانه نیوشا را زیر نظر گرفتند. دقایقی بعد دختر جوان با یک پسر از خانه خارج شدند تا سوار خودرویی شوند که جلوی خانه منتظر آنها بود. در همین موقع مأموران از وی خواستند همراه آنها به اداره پلیس بیاید اما نیوشا با دیدن مأموران پا به فرار گذاشت و به آپارتمانش پرگشت. سپس کیفی که همراه داشت را از پنجره به بیرون پرتاب کرد و راننده ای که قرار بود او را سوار کند کیف را برداشته و متواری شد. در نهایت مأموران موفق به دستگیری نیوشا و پسر جوانی که همراه او بود، شدند.

پس از انتقال وی به اداره آگاهی نیوشا منکر سرقت شد، اما کیفی که وی از پنجره بیرون انداخت و مدارک و شواهدی که علیه وی وجود دارد احتمال دست داشتن دختر جوان در این سرقت را بیشتر کرد. بنابراین تحقیقات از وی و پسر جوان برای کشف راز این سرقت ادامه دارد.

مرگ دومین نوجوان حادثه آتش سوزی کانکس معلمان



علی اسپهر، حسین رضایی میرقائد و مجید مرادی سه عملی که در حادثه آتش سوزی سوختند

درصد به دلیل شدت جراحات وارده در بیمارستان طالقانی اهواز جان خود را از دست داد. شامگاه دوشنبه ۲۹ دی آتش سوزی در یک کانکس واقع در روستای کنگرستان بخش کوهستانی سردشت درزفول موجب سوختگی شدید سه معلم و سه نفر از نوجوانان این منطقه شد. مدیرکل مدیریت بحران استان خوزستان بیشتر اعلام کرد: آتش گرفتن کانکس معلمان در منطقه سردشت درزفول برخلاف آنچه اعلام شده، ناشی از صاعقه نبوده است.

دردسر جا گذاشتن کارت بانکی در مغازه

مصالح فروشی در جنوب تهران است. در رصدهای اطلاعاتی مشخص شد که شاکی به دلیل حواس پرتی کارتش را در مغازه جا گذاشته بوده و در همانجا نیز از حسایش برداشت شده است.

سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان افزود: مالک مصالح فروشی مورد بازجویی قرار گرفت که در تحقیقات پلیسی اظهار کرد، زمانی که شاکی برای خرید مصالح ساختمانی به مغازه ام مراجعه کرد کارت عابر بانکش را جا گذاشت و چون رمز کارت عابر بانک وی را به خاطر داشتم باخروج او از مغازه مبلغ ۱۹ میلیون ریال برداشت کردم. با اعتراف صریح متهم پرونده به دادسرا ارسال که متهم در تحقیقات قضایی رضایت شاکی را جلب و به دستور قضایی آزاد شد. این مقام انتظامی به شهروندان توصیه کرد: در خریدهای روزانه حتماً خودشان از کارتخوان استفاده کرده و کارت و رمز آن را در اختیار فروشنده قرار ندهند تا از فراموش کردن یا برگرداندن کارت عابر بانک در امان باشند.

■ **گروه حوادث/** مرد مغازه دار وقتی متوجه شد مشتری اش کارت بانکی خود را در مغازه وی جا گذاشته حساب او را خالی کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل پرونده ای از کلانتری ۱۵۹ بی سیم با موضوع سرقت کارت عابر بانک به پایگاه ششم پلیس آگاهی فرستاده شد و برای بررسی موضوع در اختیار تیمی از کارآگاهان قرار گرفت.

سرهنگ کارآگاه «علی کنجوریان» رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی در تشریح این خبر گفت: شاکی در تحقیقات اظهار داشت برای خرید مصالح ساختمانی به جنوب تهران رفته و پس از خرید مصالح از یک مغازه به خانه برگشته اما ناگهان متوجه شده که کارت عابر بانکش نیست دقایقی بعد هم مبلغ ۱۹ میلیون ریال از حسایش برداشت شده است. در نخستین بررسی ها مشخص شد این مبلغ از حساب شاکی توسط دستگاه کارت خوان برداشت شده است، در ادامه تحقیقات پلیسی مالک کارت خوان شناسایی و مشخص شد که وی مالک همان مغازه

سرقت میلیونی طلاهای زن همسایه

می کند و با بیان موضوع به شوهر خود نقشه سرقت را ترتیب داده و قرار شد در ملاقات بعدی کلید خانه آنها را ربوده و در فرصت مناسب طلاها

همچنین متهم در ادامه بازجویی اعلام داشت، پس از سرقت طلاهای شاکی، آن را در بازار تهران به یک دلال فروختم و آدرس و شماره ای از او نداریم.

سرهنگ مجیدی ادامه داد: کارآگاهان این پایگاه با بکارگیری شیوه های نوین و علمی کشف جرم، مخفیگاه مالخر به نام رحمت را شناسایی کردند و در سرگرا بهیست و سوم دی طی یک عملیات غافلگیرانه در محدوده میدان خراسان وی دستگیر و با بررسی از محل اختفای او مقداری از طلاهای مسروقه به وزن تقریبی ۱۳۵ گرم کشف شد.

این مقام پلیسی اضافه کرد: هر ۳ متهم با قرار صادره برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار این پلیس قرار گرفتند و اقدامات تکمیلی برای آشکار شدن زوایای پنهان پرونده، شناسایی سایر شاکیان و محل های سرقت احتمالی کماکان در دستورکار کارآگاهان این پایگاه است.

طلای همسایه اش شد با شوهرش نقشه سرقت طلاها را طراحی و اجرا کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود یک ماه قبل زن جوانی با مراجعه به کلانتری ۱۰۲ پاسداران از سرقت طلاهایش به ارزش ۸۰۰ میلیون تومان خبر داد. وقتی پرونده در اختیار کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت در بررسی میدانی صحنه جرم رد پای زن و شوهر همسایه در این سرقت شناسایی شد. بدین ترتیب کارآگاهان این زوج را برای تحقیق و بازجویی به اداره آگاهی برده و با توجه به سرخ های به دست آمده از متهمان آنها که چاره ای جز اعتراف نداشتند به سرقت طلاهای زن همسایه به ارزش ۸ میلیارد ریال اعتراف کردند.

سرهنگ کارآگاه «سعید مجیدی» رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی در این باره گفت: مرد همسایه در بازجویی های اولیه مدعی شد به خاطر رفت و آمدهای خانوادگی زیادی که با شاکی داشتند از وضعیت مالی آنها نیز باخبر بودند تا اینکه روزی همسرش که به خانه شاکی رفته بود متوجه می شود این زن طلاهای خود را کجا مخفی

تبرئه ۴ مأمور پلیس از اتهام کوری چشم مرد معتاد

بررسی قرار داد و چهار افسر پلیس ردیابی و بازداشت شدند. اما هر چهار نفر موضوع پرتاب سنگ و کور کردن چشم شاکی را انکار کردند. ضمن اینکه شاکی نمی دانست که کدامیک از مأموران سنگ را پرتاب کرده است. با این حال کیفرخواست علیه آنها صادر و رسیدگی به پرونده هر ۴ مأمور پلیس به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای این جلسه شاکی گفت: من نمی دانم کدام یک از مأموران سنگ را به سمت من پرتاب کرده اما از قضات درخواست اشد مجازات را برای مأموران دارم.

در ادامه چهار افسر پلیس که همگی با قرار وثیقه آزاد بودند یک به یک به دفاع از خودشان پرداختند و منکر اتهام شان شدند.

یکی از آنها گفت: هوا تاریک بود که به تعقیب معتادان پرداختیم. آنجا خیلی شلوغ بود و ممکن است در شلوغی شخص دیگری اقدام به سنگ پرانی کرده باشد یا در یک حادثه این اتفاق رخ داده باشد.

پس از اظهارات مأموران قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و هر ۴ مأمور پلیس از اتهام کوری چشم مرد معتاد تبرئه شدند.

■ **گروه حوادث/** چهار افسر پلیس که به اتهام سنگ پرانی و کور کردن یک معتاد محاکمه شده بودند با نظر قضات دادگاه کیفری از این اتهام تبرئه شدند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۸ به دنبال شکایت مردی معتادی به نام سیامک آغاز شد. وی در حالی که چشم راستش تخلیه شده بود به پلیس آگاهی رفت و از چهار افسر پلیس شکایت کرد و در توضیح ماجرا گفت: چند سالی است که انگیزه دارم. چند وقت پیش در منطقه باقرشهر به همراه چند نفر دیگر در حال مصرف مواد مخدر بودیم که چهار افسر پلیس به قصد دستگیری به سراغمان آمدند. همراهان من همگی دستگیر شدند و من تلاش کردم تا از دستشان فرار کنم اما آنها با پرتاب کردن سنگ به طرف من باعث شدند چشمم آسیب ببیند اما من بازهم قرار کردم. چند ساعت بعد که متوجه شدم چشم راستم خیلی درد دارد و باز نمی شود به بیمارستان رفتم و در آنجا گفتند که چون شدت جراحت زیاد بوده باید چشمم را تخلیه کنم. حالا هم یک چشمم را از دست داده ام و از آن چهار افسر پلیس شاکی هستم.

با طرح این شکایت، پلیس موضوع را مورد